

The background is a painting of a mountain landscape. In the foreground, a river flows from a waterfall on the left. A brown goat with horns is partially submerged in the river, looking up. The mountains in the background are rendered in shades of blue, green, and brown, with a clear blue sky above.

# ۲۰۰ خُرُنُونِي مَٔل

# ۲۰۰ ضَرْبِ الْمَثَلِ شُغْنَانِي

## 200 Shughni Proverbs

تهيه و ويرایش  
پوهنمل اقبال حسام، حفيظ الله ميهن دوست،  
نوروز شاه همرزم، سروبانو طوفان نصرت،  
گوين شيفر، ليلا رحمانی

سكان، كمبيوتر و نشر انترنيتي: سرورشاہ ارکان  
اداره نشرات سيمای شغنان  
شهر کلگری- کانادا

سوم جنوری ۲۰۲۲

# ۲۰۰ خُرنُونی مَتَل

## تهیه و ویرایش

---

پوهنمل اقبال حسام، حفيظ الله ميهن دوست، نوروز شاه همرزم،  
سروبانو طوفان نصرت، گوین شیفر، لیلا رحمانی

---

## شناسنامه کتاب

عنوان: ۲۰۰ خرنوئی متل  
تهیه و ویرایش: پوهنمل اقبال حسام، حفیظ الله میهن دوست، نوروز شاه همرزم، سروبانو طوفان نصرت، گوین  
شیفر، لیلا رحمانی  
تحت نظر: کرین آلسن  
رسام: دین محمد دین دوست  
ناشر: انتشارات ثمره زبانها  
زبان: شغنانی  
تیراژ: 1000  
سال چاپ: ۲۰۲۱م / ۱۴۰۰هـ.ش «  
محل چاپ: کابل، افغانستان  
ای اس بی ان (ISBN): 9789936807662

کلیه حقوق این اثر برای نویسنده و ناشر محفوظ است



برینده و ان  
برایش جان و عقل داد  
مذکور است که در کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم  
بنوم خدای ببخینس گاارات مهربون

**In the name of God, the most merciful, the most  
gracious.**

## سپاسگزاری

ستایش خدایی را که زمین و آسمان را آفریده و انسان را در روی زمین اشرف مخلوقات نمود و برایش جان و عقل داد تا از آن در امور زنده‌گی اش استفاده کند. خداوند منان را شاکریم که به ما توفیق نوشتن این رساله را که تحت عنوان «۲۰۰ خُرنوئی متل» عنایت فرموده تا این ادبیات مملو از پند و حکمت مردمی را حضور خواننده گان تقدیم نمودیم.

از بزرگوارانی چون محترم گل محمد واقفی، استاد قاضی اثر، خلیفه صاحب سرور شاه و فریدون خاوری که در راستای تصحیح متن این رساله ما را همکاری نمودند سپاس و قدردانی می نمایم و مشوره های نیک محترم آدینه محمد و محترم جلال الدین حسینی را نیز به دیده قدر می نگریم.

## مقدمه

ضرب المثل‌ها در پهنه ادبیات یک زبان از نقش ویژه و والایی برخوردار اند؛ به طوریکه اهمیت و ارزش تاریخی و علمی آن از کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها کمتر نیست. ضرب المثل‌ها در زنده‌گی تمامی اقشار جامعه، اعم از عامی، تحصیل کرده، فرهیخته و ... کاربرد ممتازی دارند و چه بسا جمله کوتاهی که به شکل ضرب المثلی یا حکمتی به ارث رسیده از گذشته‌گان است، کار ساعت‌ها سخن گفتن، دلیل آوردن و استدلال کردن و بحث کردن را انجام داده است.

ضرب المثل‌ها که بخش عمده‌ای از فرهنگ عامه را تشکیل می‌دهند سرمنشأ خود را از همان حکمت و معرفت خواص و عامه مردم که حاصل قرن‌ها زنده‌گی و تجربه‌های نیک و بد و تلخ و شیرین آن‌هاست؛ می‌گیرند. و به دلیل کوتاهی و آهنگینی و پرداختن به مسایل مهم و مبتلا به جامعه و معمولاً طنز آشکار و نهان آن‌ها، نسل به نسل منتقل می‌شوند.

آشنایی با فرهنگ جوامع می‌تواند ضمن نزدیک کردن این روابط انسانی، شناخت ریشه‌های فرهنگی و روحیات اقوام ملل دیگر را نیز به دنبال داشته باشد. یکی از موثرترین شیوه‌ها برای عملی کردن این نیت مقایسه آن فرهنگها و شناخت نقاط تشابه و تمایز آن‌ها است. از این رو مطالعه و تحلیل ضرب المثل‌های یک قوم بر پایه علم نماد و نشانه‌شناسی می‌تواند یکی از راه‌های شناخت تشابهات بین فرهنگی باشد، چرا که در بسیاری از فرهنگ‌ها معانی نهفته در نمادها یکسان بوده و این خود بیانگر اشتراکات فرهنگی است.

ضرب المثل‌ها نقطه اتصال ادب رسمی به ادب شفاهی است زیرا در مثل‌ها تمام ویژگی‌های ادبی از قبیل وزن و آهنگ، صورخیال، ایجاز و اختصار دیده می‌شود. معانی و مفاهیم مجازی که در امثال به کار رفته در واقع به منزله میدان نمایش می‌ماند که گویی مردم با آداب و رسوم و خلیقات خویش غم و شادی، پندارها و خرافات و عقاید خود را در آن به روی صحنه می‌آورند.

در مورد معنای لغوی اصطلاح ضرب المثل در میان ادیبان عرب و عجم اختلافات نظری دیده شده و هرکس مطابق به فهم و ذوق خویش در مورد ضرب المثل سخن پردازی نموده اند:

مثل جمله‌ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که به سبب روانی لفظ و روشنی و لطف ترکیب، شهرت عام یافته باشد و همگان آن را بدون تغییر و یا با اندک تغییر در محاوره به کار برند.

مثل عبارت نغز پر معنی است که شهرت یافته، در خور شهرت و قبول عامه باشد، اعم از اینکه مبتنی بر قصه و داستان و مورد و مضرب باشد یا نباشد.

مثل حاکی خرد و حکمت خلقی کثیر و قریحه و لطف بیان واحد می باشد.

در زبان شغنائی ضرب المثل پیشنه طولانی دارد و از نسلی به نسلی به گونه شفاهی انتقال یافته ولی تا این دم به گونه کتبی در نیامده است. موسسه ثمر می خواهد تا این ژانر شفاهی را در زبان شغنائی از شکل شفاهی آن به گونه کتابی ترتیب و تنظیم نماید.

در زبان شغنائی ضرب المثل ها را به سه بخش می توان تقسیم کرد:

بخش اول: مثل هایی است که واژه هایی اصیل زبان شغنائی در آن ذکر شده است.

بخش دوم: مثل هایی اند که واژه های اصیل زبان شغنائی در آن ها دیده نمی شود؛ ولی در زبان فارسی و یا انگلیسی هم ضبط نشده اند.

بخش سوم: ضرب المثل هایی اند که معادل آن ها در زبان فارسی هم دیده می شود.

بدین ملحوظ وقتی که ما خواستیم از ضرب المثل های زبان شغنائی سایر ملل دیگر نیز استفاده کنند به دو زبانی چون فارسی و انگلیسی توجه کردیم و از این ضرب المثل ها ترجمه صورت گرفته است. در راستای ترجمه ضرب المثل ها کوشش شده تا معادل ضرب المثل شغنائی در زبان فارسی و یا انگلیسی جستجو و درج شود؛ اینگونه ضرب المثل ها از لحاظ شکل ظاهری شان با همدیگر تفاوت های زیادی دارند، ولی در راستای پیام رسانی شبیه هم اند و زیبایی بیان سخن را نیز از دست نمی دهند، اما آن عده ضرب المثل هایی که معادل شان در فارسی و انگلیسی یافت نگردیده بود به ناچار آن را تحت الفظی ترجمه کردیم که شاید همان زیبایی های طبیعی خویش را از دست بدهند.

واژه های تابو (حرام) را که اغلب شامل روابط جنسی، نام عضای بدن و امثال آن که بر زبان آوردن آن ها در جمع به دلایلی چون شرم، ترس، اعتقاد دینی و مذهبی و یا رعایت احترام، حرام و ممنوع به شمار می آیند در این رساله گنجانیده نشده اند.

موسسه ثمر در قسمت جمع آوری ضرب المثل های زبان شغنائی ادعای اکمال سخن را ندارد و در این کار خویش کمی و کاستی هایی را احساس می کند، احتمال آن دارد تا بسا از ضرب المثل هایی که در یک منطقه دور افتاده در نزد مردم همان دیار کاربرد داشته باشند و در سایر نقاط دیگری قابل استفاده نیستند به نسبت دوری راه و یاهم عدم سردچاری با مردم همان محل در کتاب درج نگردیده اند؛ و یکتعداد دیگری از ضرب المثل هایی هستند که در آنها بسا از مشکلات دیده شده قصداً از ذکر

آن در این کتاب خود داری صورت گرفته با آنهم از همه بزرگواران قلم بدست و دانا و دانشمند خواهشمندیم تا با نظریات نیک و ستوده خویش در جهت اکمال این کتاب در چاپ های آینده مارا همکاری بی شایبه نمایند.

**پوهنمل اقبال حسام**

استاد دیپارتمنت دری پوهنتون بدخشان



۱. آدم باید خو پاڌ خو توون تی ائیرت.

معادل: پائت را به اندازه گلیمت دراز کن.

Only stretch your feet to where they reach.

Meaning: People should act according to their abilities.



۲. ابلا قتی گاڤ ذید ذپونگری.

ترجمه: با ابله صحبت کردن دیوانگی است.

It's insanity to reason with a fool.

Meaning: Wise people do not try to reason with the foolish.

۳. آر خیم دپدد.

معادل: در چشم می دراید.

He gets in the eyes.

Meaning: Said of someone who is shameless.



۴. ار چید یارج نیست پی دشید ناو کخارک.

معادل: به خانه اش نان نیست بالای بام شش تندور است.

No flour in the home

but nine ovens on the roof.

Meaning: Said of poor people who make a show of wealth.

۵. از کور بتار حاجی.

معادل: پولدار از کور محتاج تر.

Worse than the blind are the rich.

Meaning: The rich are more greedy than the poor.



۶. از دی پی پیل ذوغ بیید.

معادل: زیره به کرمان بردن.

To bring buttermilk from the village to the pasture.

Meaning: To bring something common to a place where it is abundant.

(To carry coals to Newcastle.)

۷. از دست یی شوم بناری روم تُد.

معادل: از دست یک شوم سوخته شهر روم.

Because of one fool, the city of Rome burned.

Meaning: One fool's action causes great destruction.



۸. از نا پرگنچن کلاندی بلا پندا سؤد.

ترجمه: از کدوی سوراخ نا شده بلا پیدا میشود.

From an unopened pumpkin calamity may come.

Meaning: Unexpected things happen.

۹. از دوْمَان تِی زِیْزِد اَت زوْن تِی پِسون ذِید.

ترجمه: از دامن میگیرد و در زانو میزند.

They rip the skirt to patch the trousers.

Meaning: Said when someone asks for help from closely-connected sources.



۱۰. از شتایی یام چاقو دسته چود.

ترجمه: از خنکی چاقو دسته کردیم.

We carved a knife's handle in the cold.

Meaning: We kept busy to distract ourselves from the cold.

۱۱. از گآپ ته گآپ اندیزد.

معادل: از گپ، گپ میخیزد.

From talk, talk rises.

Meaning: One quarrel leads to another.



۱۲. از یی سوار چیز غبار.

معادل: از یک سوار چه غبار؟

From one rider, where's the dust?

Meaning: Nothing significant can be accomplished alone.

۱۳. از فارچ نا شکری کینی دأبنت تو جزا ذید.

ترجمه: از اسپ اگر ناشکری کنی دشت جزایت را میدهد.

If you are unthankful for your horse,

the wilderness will punish you.

Meaning: If you are not thankful for what God has given you, God will punish you.



۱۴. از خیداو امید پیدی.

معادل: از خوردن امید بهتر.

Hope is better than eating.

Meaning: Having hope for the future is better than enjoying what is available in the present.

۱۵. آزود رونداً آرم مؤندا.

ترجمه: از اینطرف رانده و از آن طرف مانده.

Driven out on one side, exhausted on the other.

Meaning: Said of someone who exhausts themselves trying to unfairly obtain wealth or accomplish futile goals; or who in taking one opportunity, gives up another.



۱۶. از مشک ته بوی یازد ات از واین ذد.

ترجمه: از مشک بوی میآید، و از علف دود.

Fragrance rises from perfume, and smoke from hay.

Meaning: Attitude and actions show whether a person is wise or foolish.



۱۷. از محبت ته یاخ نور سوڈ ات ذیو حور.

ترجمه: از محبت آتش نور میگردد و دیو پری.

From love, fire becomes light and the troll becomes beautiful.

Meaning: People are beautiful to those who love them, no matter how flawed.



۱۸. از خو بناستُم امپد.

معادل: از دام خود امید دارم.

I am hopeful about my fishhook.

Meaning: I'm optimistic about the future.

۱۹. اگه دُبنمنی شه کنی دوستی ره مس جای لای.

معادل: اگر دشمنی میکنی برای دوستی هم جای بگذار.

In enmity, give friendship a place too.

Meaning: Treat an enemy in such a way that you will not be  
ashamed on the day you become their friend.



۲۰. انگورذ از انگورذ وینت رانگ انجفخت.

معادل: انگور از انگور رنگ میگیرد.

A grape that sees another grape absorbs its color.

Meaning: People imitate each other.

۲۱. انجآف خو دېوال ات دأک مو مُزد.

ترجمه: دیوار خود را بگیر و حق مرا بده.

Take your wall and give me my pay.

Meaning: Said to someone who asks for pay before the work is finished well.



۲۲. اول خو آزمود کین، بعد دِگه پین.

ترجمه: اول خود را آزمایش کن بعد دیگران را.

First examine yourself, then others.

Meaning: Do not point out faults in others without awareness of your own.

(Take out the speck in your own eye before removing the plank from your brother's eye).

۲۳. باغ ته هر چای خو وختند قرق کسنت.

ترجمه: هرکس باغ را در وقت خود احاطه میکند.

Everyone encloses their garden in their own time.

Meaning: Everyone disciplines in their own way.



۲۴. بشاند آدم آرد گآپ ات آلك آدم آرد ماث.

ترجمه: برای آدم خوب سخن، برای آدم خراب چوب.

A word for the wise; a rod for the wicked.

Meaning: For correction, a good person needs only one word; a bad person needs punishment.

۲۵. بشأند فارج آرد یی قمچی آت بشأند آدم آرد یی گآپ.

معادل: اسپ خوب را یک قمچین و آدم خوب را یک گپ.

One whip for a good horse,

one word for a good person.

Meaning: One with understanding will get the point.



۲۶. بوج از انجان وابنت.

ترجمه: از آتنگ سنگ مییارد.

They're moving boulders by rope and shovel.

Meaning: There is a lot of trouble, war, or commotion.

۲۷. بۆنه یی بچه خوردن کتأ.

ترجمه: بهانه بچه خوردن کلان.

The child is the pretext for the elder to eat.

Meaning: A person might use another person as an excuse to get what they want.



۲۸. بی دأف رقاص.

معادل: بی دف و چنگ رقصیدن.

To dance without the drum.

Meaning: To interfere, to interrupt, and to show up without invitation.

۲۹. بی ننگ فی یت زنده فی .

معادل: بی ننگ باش و زنده باش.

Be without honor but stay alive!

Meaning: Your life is more important than your reputation.



۳۰. بیل بَنخ رَوین تی .

معادل: بیل زدن به روش آب.

The shovel follows the stream.

Meaning: To blend in and go with the flow; to be passive; to do what is expected and appropriate in a situation.

۳۱. پاتنباه تاقی تی پاث نه وېدد.

ترجمه: کلاه شاه را نشان نمی گیرد.

They don't even shoot at the king's hat.

Meaning: Said of a person who is proud and lacking ambition.



۳۲. پش خو فاند ات پورگ خو فاند.

ترجمه: گربه مکر خود را میکند و موش مکر خود.

The cat has one trick, the mouse another.

Meaning: People use their skills to their own advantage.



۳۳. پَش دِی از بِنوَقْد تِی خِه زِیِنَت.

معادل: به یک چشم بر هم زدن.

The cat jumps out of the milk.

Meaning: Said when someone works very quickly.



۳۴. پِنَبَت پِی غِیْف اَت دَام چَک.

معادل: آب دهنش خشک شد.

Mulberry-powder blocks the breath.

Meaning: To be unable to answer someone's question.

(Does the cat have your tongue?)

۳۵. پلّیس غیچ خو تر خپم انجیقداو.

ترجمه: پلاس کهنه را در پیش چشم خود گرفتن.

To put an old piece of a rug over your eyes.

Meaning: When you do wrong even when you know what is right,  
you blind yourself to the truth.



۳۶. پورگ تر پورگ بیث نه وِزد پِسپن ژیر پِس خُیث کِریبنت.

معادل: موش در خانه خود جای نمیشود افشان سنگ را بدمش میکشد.

The mouse does not fit in its hole, yet it pulls the whetstone to  
itself.

Meaning: Act according to your ability.

۳۷. پورگی لوٲج دگه جای مو زر خَرد آت خدارج مو داد چید.

ترجمه: موش گفته: جاهای دیگر را به زر خریدم ولی آسیاب خانه پدری من است.

The mouse says: "I may own other homes, but my father owns the mill."

Meaning: To be at home in your own space.



۳۸. پوست ته تَنکندی پریشت.

ترجمه: پوست در جای نازکی پاره میشود.

Skin that is thin tears easily.

Meaning: People are more sensitive when faced with many trials at once.

۰۳۹. پی خو پیخ ذید وپدد.

ترجمه: با چموس خود جنگ کردن.

To fight over homemade shoes.

Meaning: To pick a fight about something unimportant.



۰۴۰. پی پی گل ته بهار نه سؤد.

معادل: به یک گل بهار نه میشود.

One flower does not make spring.

Meaning: Nothing can be accomplished alone.

۴۱. پینخ انگبنتپن برابر نِست.

معادل: پنج انگشت برابر نمیباشند.

Five fingers are not equal.

Meaning: Everyone is different.



۴۲. پی آسمون ستاره و پقند نِست ات ار زماذ سایا.

معادل: به آسمان ستاره و در زمین سایه ندارد.

They have no stars in the sky and no shadow on earth.

Meaning: Some people do not have anything.

۴۳. پینح انگبنت ته ار یی غیف نه وزپن.

معادل: آدم نمیتواند پنج انگشت خود را یکجا در دهان کند.

Five fingers do not fit in one mouth.

Meaning: Don't be greedy.



۴۴. پی خو فرق قییب وپدد.

ترجمه: سنگ را بالای سر خود انداختن.

To throw rocks at your head.

Meaning: Don't try to do something beyond your ability.

۴۵. پی خیم ست ذید.

معادل: در چشم خاک کردن.

To throw dirt in the eye.

Meaning: To tell a lie or trick someone.



۴۶. تاربن قتی خو پاژند ذیداو.

معادل: تیشه را به پای خود زدن.

To hit your foot with an axe.

Meaning: Don't do something that hurts yourself.

(To shoot yourself in the foot.)

۴۷. تا بنوٰخ نه ڦډ پارک ته نه وُخت.

معادل: تا شمال نباشد برگ نمی جنبد.

Until wind blows, leaves do not stir.

Meaning: Until there is pressure, a person will not work.



۴۸. تا بُخ شه نه واغډ وی ناَن ته ورد بِش نذید.

ترجمه: تا بچه گریه نکند مادر او را شیر نمیدهد.

Until the baby cries, the mother

does not nurse.

Meaning: A right is not given; it is taken.

(The squeaky wheel gets the grease.)



۴۹. تاقاً خیداو آسون ات تاقاً میداو قین.

ترجمه: به تنهایی خورن آسان ولی به تنهایی مردن مشکل است.

Eating alone is easy; dying alone is difficult.

Meaning: People need each other; they should not seek independence.



۵۰. تر بنرین خرخر.

ترجمه: از درون خاها صدا بر آمد.

این ضرب المثل زمانی استفاده میشود که اول یک قضیه خیلی بزرگ جلوه داده شود

و پس رو به سردی گراید.

A rustling in the brush.

Meaning: Empty talk or false rumors.

۵۱. تَقَارُ سِبْپِنِ اَتِ كُنْدِه خُو دَامِ ذِيْدِ.

مَعَادِل: تا اَمْدَن تَبِر كُنْدِه اَسُوْدِه اَسْتِ.

Till the falling of the axe,

the log can relax.

Meaning: People are lazy when not under immediate pressure.



۵۲. تِيْرِنِ پِلِپِلِ اَتِ بِيْرِنِ شِيْپِلِ

تَرْجَمِه: بِيْرُوْنِ اَرَاَسْتِه وَ دَرُوْنِ اَشْفَتِه.

The outside is shiny,

the inside is dirty.

Meaning: To be a hypocrite.

۵۳. تپز زف از تپز پاڌ ڏید.

ترجمه: تیز زبان تیز پا را بند میکند.

Fast tongues beat fast feet.

Meaning: Oratory skills are more important to success than physical ability.



۵۴. تیر کورخ سفید کینت.

ترجمه: سوراخ سیاه سفید میکند.

He turns a black hole white.

Meaning: Said of a curious person who exposes secrets, or of someone who does things that others consider impossible.

۵۵. تیر گلیم ته سفید نه سؤد.

معادل: گلیم سیاه سفید نمیشود.

A black rug does not turn white.

Meaning: A person of bad character cannot become good.



۵۶. جهود روزه دار آت خدای نا خُسنود.

ترجمه: یهود روزه دار و خداوند نا خشنود.

Jahood is fasting, but God is not pleased.

Meaning: God is pleased with character and knowledge of Him, not just religious actions.

۵۷. جیترد بات به کار

ترجمه: به دعوت مردم، پیسه نیاز است.

When inviting people to a party,  
take them food.

Meaning: In whatever you do, prepare well and think of the future.



۵۸. چبؤد چی روښت ات قو و مرد بوڼه.

ترجمه: کفترمیخواهد پرواز کند و صدا برایش بهانه میشود.

One cry and the dove flies.

Meaning: A person whose mind is set on something can always

find an excuse to do it.

۵۹. چورذ نث ات راست لوُف.

ترجمه: کج بنشین و راست بگو.

Sit crooked but talk straight.

Meaning: Even if you're ashamed of it, tell the truth.



۶۰. چون آرد غِرک ذید.

ترجمه: در گوش کر غیچک نواختن.

To play music for the deaf.

Meaning: To explain something to someone who will not understand.

۰۶۱. چى څارام چى څارام خو فشتارک ینځ.

ترجمه: کى را بخوریم، کى را بخوریم، خواهر کوچک خود را.

Whom shall we eat, whom shall we eat?

My youngest sister.

Meaning: People always oppress those who are weaker.



۰۶۲. ځڏاى ڏاڏځن ڦى آت ارواح ڏاڏځن نى.

ترجمه: خدا زده باش و ارواح زده نى.

Better to be struck by God

than by your own kin.

Meaning: Don't upset those close to you; God may forgive you, but

people (or ancestral spirits) will not.

۶۳. خُذای یی خِیم پی یگه خِیمند احتاج ما کِنت.

ترجمه: خداوند یک چشم را محتاج چشم دیگر نکند.

May God not make one eye need the other.

Meaning: May God not make people too dependent on each other.



۶۴. خُلاوی شه ذأذی خون از وی نه چکت.

معادل: کارد در جانش بزنی خونش بیرون نمی آید.

If you stab him, no blood will come out.

Meaning: Said of someone who is extremely sad.



۶۵. خو شوله خأت خو پرده کی.

ترجمه: شوله ات را بخور پرده ات را بکن.

Eat your rice and preserve your honor.

Meaning: Be silent about injustice to guard your honor.



۶۶. خون ته خون قتیر زناذج نه سوڈ.

معادل: خون با خون شسته نمیشود.

You cannot wash blood with blood.

Meaning: Forgiveness is better than revenge.

۶۷. خو دَام لَأْکِی یت مُند چپوی.

ترجمه: پشت خود را میمانید و پشت مرا میخارید.

You leave your back and scratch mine.

Meaning: In trying to do my work, you neglect your own.



۶۸. خو سایاَ تی قِیمب وپدَد.

معادل: سایه خود را با سنگ می زند.

To throw stones at one's own shadow.

Meaning: To be incredibly angry.

۶۹. خو زَمخِ پَرذَاتِ خو نَنگِ کي.

ترجمه: زمين ات را بفروش و ننگ ات را بکن.

Sell your land to keep your honor.

Meaning: People should guard their honor at all costs.



۷۰. خو دَوْمَانِ سِپَنِي چِي وني خو وني.

معادل: تُف را که بالا می اندازی به روی خودت می آید.

You lift your skirt, and whom do you see?

Meaning: In exposing the faults of others, you expose yourself.

سکان، کمپیوتر و نشر انترنیتی: سرور شاه ارکان

اداره نشرات سیمای شغنان

شهر کلگری- کانادا

سوم جنوری ۲۰۲۲

۷۱. خو ژینبَت وینچ ات خو وینبَت نی

معادل: دویدن افتیدن هم دارد.

You've considered your running,

but not your falling.

Meaning: To be overly optimistic or rash about what you can do,  
not considering the consequences.

(To wear rose-colored glasses.)



۷۲. خو کال چپود بیکار نسود.

ترجمه: برای سر خاریدن هم بیکار نمیشود.

He can't find time to scratch his own head.

Meaning: He is very busy.

۷۳. خود کردا ره نه دأرذ آت نه دَرْمُون.

معادل: خود کرده را نه درد است و نه درمان.

There is neither pain nor cure  
for harm you bring on yourself.

Meaning: You must take responsibility for the consequences of  
your own choices.



۷۴. خُونِه یی مردمُون پِیْنِت.

ترجمه: خانه مردمان بهشت است.

Another person's home is paradise.

Meaning: Guests don't worry about work, so they enjoy time in  
another's home.

۷۵. خُونِه دَار اَرْد يِي خُونِه بِي خُونِه يَرْد هَزَار خُونِه.

ترجمه: خانه دار را يك خانه بي خانه را هزار خانه.

Home-owners have one home,

the homeless a thousand.

Meaning: Some people don't care for their own home; they just

live for pleasure.



۷۶. خِيْدُم چِي خِيْد اَت نازم چِي چِيْد.

ترجمه: ميخواهم كه بخورم مگر ناز ميكنم.

A proud heart ignores hunger.

Meaning: One who is proud may refuse what one truly wants in

order to impress others.

۷۷. خفینخ بیثند ژیر ذبد.

معادل: در خانه زنبور سنگ زدن.

To throw stones at a beehive.

Meaning: To create an opportunity to quarrel.



۷۸. شَن تَرِی جَا آت کَوْه تَرِی جَا.

ترجمه: کمانک ندافی در یکجا و کوبه آن در جای دیگری.

این ضرب المثل زمانی استفاده میشود که میان نظریات و تفاوتی دیدگاه موجود باشد.

The *tsan* is in one place,

the *kuva* in another.

Meaning: Used to describe two people who have different opinions. Or can also mean that separation causes unhappiness.

(*Tsan* and *kuva* are tools that are used together to fluff wool.)

۷۹. خپم از خپم تود.

معادل: چشم از چشم می سوزد.

One eye respects the other.

Meaning: Used to describe the respect a person has for a person of higher position or power.



۸۰. دزد یُرغه ات صاحب مال بنرمنده.

معادل: دزد مشتاقتر از صاحب کالا باشد.

The thief is clever and the one who was robbed is ashamed.

Meaning: Said to those who defend themselves

instead of repenting of their sins.



۸۱. دزد از خو سایه بناج ذیّرت.

معادل: دزد از سایه خود میترسد.

A thief is afraid of his own shadow.

Meaning: A guilty person is always afraid.



۸۲. دزد قیّت ات به انصاف.

معادل: دزد باش ولی به انصاف.

Be a thief, but be just.

Meaning: Don't take advantage of another person's generosity.

۸۳. ذندون خورده خون نود.

ترجمه: دندان خورده خون میگیرد.

Teeth cry tears of blood

for treats once tasted.

Meaning: When you are used to something good, it is hard not to have it; or you get disappointed when things don't happen as expected.



۸۴. ذو پاذا ریی پیخ و بذاو.

معادل: دو پا را در یک موزه کردن.

To put two feet in one shoe.

Meaning: To insist on something that is impossible.

۸۵. ذو خیم بین آرد نیخ شه نه قد یکدیگر خپن.

ترجمه: بین دو چشم اگر بینی نباشد یکدیگر را میخورند.

If no nose separated the eyes, they would eat each other.

Meaning: Said of those who fight so much that they need a mediator.



۸۶. ذبون فعل ته وی نآن وزبنت.

ترجمه: فن و چال دیوانه را مادرش میداند.

The mother of a lunatic knows his quirks.

Meaning: A person's behavior is known by those close to them.

۸۷. ذپوی خُرد سِفخ قوُوج اُت فلوُنی فلون چیزی.

ترجمه: دیو مهره یافته و فلانی فلان چیزی.

The troll's got new beads and look who else has got something!

Meaning: Said to someone obsessing over a new possession.



۸۸. روزی خاُریج خو روزی خیرت اُت ابله غم.

معادل: روزی خور روزی میخورد و ابله غم میخورد.

The blessed eat their daily bread,

but fools eat grief.

Meaning: Blessings come from God,

but a fool's choices will end in grief.

۸۹. روپشک خو دم خُرد گواه انجیقد.

معادل: شاهد روبا دُمش.

The fox has its tail for a witness.

Meaning: It is not good to have only relatives and close friends as one's witness.



۹۰. روپشک آرد وَم پوست بلا.

معادل: روبا از دست پوستش به عذاب است.

The fox's skin is its demise.

Meaning: Wealth and power may prove to be a curse.

۹۱. زارد شه تود از کور خيمند يوبنک زيبنت.

معادل: اگر دل بسوزد از چشم کور آب می آید.

If the heart aches, even blind eyes will weep.

Meaning: A compassionate person, even if lacking skills, can still be helpful.



۹۲. زُغوم کار کبنت ات مرد لاف ذيد.

معادل: کار را مصاله میکند لاف را بی بی میزند.

His instrument does the work

yet the man does the boasting.

Meaning: Good work is the result of good resources.

۹۳. زَف تر پرا کُتل نِست.

ترجمه: پیش زبان کوتل نیست.

To the tongue, there is no mountain pass.

Meaning: It is easier to make a plan than to carry it out.

(Talk is cheap.)



۹۴. ژاو بسپار ذید خو بنوقد کم کِنبِت.

ترجمه: گاو اگر لگد زند شیرش کم میشود.

A cow that kicks gives less milk.

Meaning: Anger towards others causes harm to oneself.

۹۵. ژاو تیر آت وم بنووقد سفید.

معادل: گاو سیاه شیر اش سفید است.

The cow is black but its milk is white.

Meaning: An unattractive person may have good character.



۹۶. سپنن خپمپن آت فولادن غاآخک.

ترجمه: چشمان آهنی و مردمک چشم فولادی.

Eyes of metal, girl of steel.

Meaning: Said of someone who acts shamelessly, without conscience and without regret.



۹۷. سگ ذو خونه ته میونه پوند میرت.

معادل: سگ دو خانه میانه راه میمیرد.

A dog of two homes dies

in between the two.

Meaning: Having two responsibilities but not receiving benefits  
from either.



۹۸. سپر از مریخونج حال چیز خبر.

معادل: سیر از دل گرسنه چه خبر دارد.

The full ignore the needs of the hungry.

Meaning: It is difficult for the rich to understand the poor.

۹۹. شاه قتی شوله نه خیرت ات هندو قتی فطیر.

معادل: با شاه شوله نمیخورد و با هندو فطیر.

He does not eat rice with the king or bread with the Hindu.

Meaning: Said of people who are very proud.



۱۰۰. شار هر خوند شه زید وم ویز وم دأمتی.

معادل: خر را گفتند کره ات مبارک! گفت هر کس بار خود را میبرد.

No matter how many times it has given birth, the donkey's  
load is still heavy.

Meaning: The same person always shoulders responsibility  
that others should take.

۱۰۱. شَرْتَك پى دېوال.

ترجمه: گِل به ديوار.

Plaster on the wall.

Meaning: Said when something is finished quickly, especially when a sick person quickly gets well.



۱۰۲. رُوپِشَك بَرِيو خه ساوى شپَر شَن خوجِه زى.

معادل: خرس را ياد کن و سوتِه را بدستت بگير.

معادل: اگر دعوت گرگ را قبول کردى سگ را هم همراى خود ببر.

When you go fox-hunting,

take a lion-hunting gun.

Meaning: Always be prepared so that you can be sure to be successful; be aware of your limitations.

۱۰۳. شلک قیچ تی فرأجی.

معادل: جان لچ و سوتہ بازی، بی تنبان نیزہ بازی.

A cape on your back yet your belly is bare.

Meaning: Said when one is proud without reason.



۱۰۴. شونچک پذیرشک.

معادل: کُفر گفتم به گریبانم افتاد.

The laugh turns on you.

Meaning: If you laugh at another's misfortune, one day misfortune

might come to you.

۱۰۵. شِیگ ته بی واینندی واین خوار سوڈ.

ترجمه: گوساله در بی علفی علف خوار میشود.

The day the grass dries up,  
the calf begins to graze.

Meaning: Said to someone who asks for something at a time they  
cannot have it.



۱۰۶. شِیگ پی خو میخ پربن کبنت.

معادل: گوساله به میخش تکیه میکند.

The calf runs around its own stake.

Meaning: People make use of their connections to achieve  
their goals.

۱۰۷. بناوجک از پَسافی ژندم بَنخ خیرت.

معادل: از خیرات گُل خار هم آب می خورد.

از خیرات کرم کدو آب می خورد.

از پشت شالی کرمک آب می خورد.

Because of the wheat, weeds are watered.

Meaning: Unworthy people benefit from the worthy.



۱۰۸. بنا سِپروى غلومِین تَبْتُر.

ترجمه: شاه سیر است و غلامانش هم سیر.

The king is full and his servants are stuffed.

Meaning: Greedy people satisfy their own desires and the desires of those close to them.

۱۰۹. بښتر خو چارذی نه وزبنت.

معادل: شتر کجی خود را نه می بیند.

The camel doesn't know its hump.

Meaning: Said of those who are blind to their faults.



۱۱۰. بښترېن دگه ویز چود ات غلبیل تی وم مید زدبنت.

معادل: شتر همه بار را برداشت اما به غربال که رسید کمرش شکست.

They gave the camel a heavy pack

but a little sieve broke its back.

Meaning: A person who does great things may be too lazy to

do something small.

۱۱۱. بِنْتُرُ ذِم دى ار زماذ فریپت.

ترجمه: دم اشتر که به زمین رسید.

When the camel's tail reaches the ground.

Meaning: Said to express doubt about the reality of something happening.

(When pigs can fly.)



۱۱۲. بِنش لیلگاف کی ات مایی انجه.

ترجمه: آب را آلوده کن و ماهی بگیر.

Stir up the water and catch the fish.

Meaning: Create a distraction, and you can get what you want.



۱۱۳. بَنخِ یُفِ کَرذَه بَرِیْزِد.

ترجمه: آب را پف کرده می نوشد.

He blows on the water before he drinks.

Meaning: He is careful about every little detail.



۱۱۴. بَنخِ اَتِ یَاخِ تَه خُبَثِ خُو پُوْنَدِ پِیْتِ کِنپِن.

ترجمه: آب و آتش خود شان راه خود را پیدا میکنند.

Water and fire open their own way.

Meaning: Clever people can bring about their own success.

۱۱۵. بَنخ پی تراَج کِنت.

ترجمه: دریا را سر چپه نمودن.

They make water run uphill.

Meaning: A skilled person can do things that seem impossible.



۱۱۶. بِنر بیجی لوُج اگه بُر، بُرکنُم بَنخ ار مو نای سوَد اگه قَرارُم مو زارذ

بِنچافت.

معادل: اگر گویم زبان سوزد اگر نگویم استخوان سوزد.

The frog says "I'll choke if I croak,

but burst if I don't."

Meaning: In some situations it is hard to remain silent, even if your

words get you in trouble.

۱۱۷. بنوینچند وی بآر چس ات غاخذنوم نان.

معادل: کرباس را از بر گیر و دختر را از مادر.

For cloth, consider its width,  
and for a girl, her mother.

Meaning: Do not make rash decisions, but consider everything  
carefully.



۱۱۸. بنونچی تر شق بنبد ات مریج پی غیف خانبچ.

ترجمه: داماد نزدیک خانه شده و گوسفند را نو خمیر میدهند.

از این ضرب المثل زمانی کار گرفته میشود که کاری برای انجام دادن آماده شده ولی  
تدابیرش نا وقت گرفته شده است.

The groom is already on his way

but they're just now fattening the sheep.

Meaning: Said to those who have not prepared well, but leave  
everything to the last minute.

۱۱۹. بنیج تر پَسپن خبَز پِیداو.

معادل: گاو را پیش افسان بردن.

To bring the bull to the whetstone.

Meaning: Said when one should look for an easier or more efficient way.



۱۲۰. صد خورن آرد یی کلُوخک باَس.

ترجمه: برای صد زاغ، یک کلوخ بس است.

One little clod to scare a hundred crows.

Meaning: Some people can easily be intimidated by a small word.

۱۲۱. عسکر تر قشلاق نه لاکین یو لوڤد ارباب چید کاذند.

معادل: عسکر را به قشلاق نه میمانند او میگه خانه ارباب در کجاست.

A soldier not allowed in the village demands, "Show me the mayor's house."

Meaning: Said of someone who assumes a right they do not have or makes a high and unreasonable request.



۱۲۲. عقاب مائی میداو پامیر خو ذید.

ترجمه: عقاب وقت مردن پامیر میروود.

When an eagle is about to die,  
it flies to the Pamir.

Meaning: Said of someone who does something new late in life, or does something but then cannot enjoy it because calamity strikes.

۱۲۳. غلبېلند لپ کوږخ.

ترجمه: غربال زیاد سوراخ دارد.

The sieve has many holes.

Meaning: There is no point to your special claim to fame, because everyone is related somehow. (Said to someone who claims a special relationship to an important person.)



۱۲۴. غیڅف آرد سلوم ات قیچ آرد پیغوم.

معادل: دهن پر شکم خالی.

A morsel greets the mouth

but taunts the tummy.

Meaning: The poor don't have enough to satisfy their hunger.

۱۲۵. قارجین نال چود ات بنریجی خو پاذا سپنت.

ترجمه: اسپ را نعل کردند و بقه پایش را بالا کرد مرا نیز نعل کنید.

They shod the horse

and the frog raised its foot.

Meaning: The weak imitate the powerful.



۱۲۶. قارج دی میداورد یت ژیر ات دارگرد ته قاپ وپذد.

معادل: اسپ که وقت مردن میاید سنگ و چوب را دندان میکند.

A horse near death gnaws stone and wood.

Meaning: When you're about to lose, you try harder.

(You're grasping at straws).

۱۲۷. قج پورگ از چید پورگ زویند.

ترجمه: موش که از بیرون آمد موش از درون خانه را بیرون کرد.

The outdoor mouse kicks out the indoor mouse.

Meaning: Outsiders might inappropriately tell insiders what to do.



۱۲۸. فرادند یی دست ار تاشچ ات ییو پی گربون.

معادل: دو برادر یک دست به طبق دارند و یک دست به گریبان.

One hand shares a meal with his brother,

the other is at his throat.

Meaning: Brothers should work together and not be enemies.



۱۲۹. فَرَّ بَنَحْدَ وَمِ دَمِ حَلْقٍ.

ترجمه: بز را آب برده دمش هنوز بالا است.

The goat is in the water but its tail is up.

Meaning: Being proud is out of place.



۱۳۰. فَرَّي فَرَّ خَوِّبِي بِي رَنَدَكِ ذِيْدٍ.

ترجمه: بزیکه بز است زیر پایش را پاک میکند.

Even a goat scrapes the ground where it lays.

Meaning: Pay attention to cleanliness.

۱۳۱. فکت ابرپنند بارون نِست.

ترجمه: همه ابرها باران ندارند.

Not all clouds bring rain.

Meaning: Not all people are wise.



۱۳۲. فیل تی فیل بوَن شه نه قد هندوستون خو ذید.

معادل: فیل هندوستان را خواب می بیند.

An unowned elephant ambles back to India.

Meaning: If people are not supervised, they will do as they please.

(When the cat's away the mice will play.)

۱۳۳. قاق ست ته پی دپوال نه نذفخت.

معادل: گل خشک به دیوار نمی چسپد.

معادل: به لق لق سگ دریا مردار نمیشود.

Dry dust does not stick to the wall.

Meaning: Lies about an innocent person will not stand.

(Like water off a duck's back.)



۱۳۴. کته عجم ژاو خو بئخ نه وینت.

ترجمه: گاو کلان چشم گوساله اش را نمی بیند.

A large-eyed cow does not see its own calf.

Meaning: Said when someone does not recognize the obvious.

(It's right under your nose!)

۱۳۵. کُڊ ته بی سیایی نه جقت.

معادل: سگ بدون سیاهی غو، غو نمیکند.

When there is no shadow,

the dog does not bark.

Meaning: A person will not do something without a reason.



۱۳۶. کُڊ خو صاحب نقرپد.

معادل: سگ صاحبش را پیدا نمی کند.

A dog can't even find its owner.

Meaning: It is very crowded.

۱۳۷. کُڊ دی ار خِدارچ خه رِست.

ترجمه: سگ گیر مانده در آسیاب.

Like the dog that lives at the mill.

Meaning: Said of a poor person who faces a great difficulty, and barely survives.



۱۳۸. کُزاً ته یکبارث فرارِد.

معادل: کوزه یکبار میشکند.

A clay jar breaks only once.

Meaning: Hurt feelings are not easily mended.

۱۳۹. کمپیر رقاصی نقارذېد لوڤد پایگه تانگ.

معادل: دستم به آلو نمی رسد، آلو ترش است.

An old woman who cannot dance says,

“The space is small.”

Meaning: People make excuses for things they cannot do.



۱۴۰. کوه هر خوئند بلند شه ډد پوئند پی وی یست.

معادل: کوه هرچند بلند باشد در سر خود راه دارد.

However high the mountain, there is a path to its peak.

Meaning: However big the task before you, there is always a way  
to get it done.

۱۴۱. کوه کلپنخک گارزد دریا ذوغ.

معادل: اگر کوه نان قاق شود و دریای آمو شوربا، چشم گرسنه سیر نمیشود.

If the mountains become bread

and the river buttermilk, the greedy are still not satisfied.

Meaning: Said to someone who is very greedy.



۱۴۲. کورک باجکین تو تر بیست چود.

معادل: جیب هایت را از چهار مغز پوچ پر کردند.

You put an empty walnut shell under your coat.

Meaning: You made an empty promise.

۱۴۳. کورُ آرد بنأب آت مپث بیوٹ.

ترجمہ: برای شخص کور شب و روز یکسان است.

To a blind person, night and day are the same.

Meaning: A person in trouble cannot tell good from bad.



۱۴۴. کورُ ته یکبار ار چاه ذپد.

معادل: کور یکبار در چاه می افتد.

A blind person falls into a well only once.

Meaning: People learn from their mistakes.



۱۴۵. کور ته از خدای ذو خیم طلاپت.

معادل: کور از خدا چه می خواهد دو چشم بینا.

The blind ask God for two eyes.

Meaning: Greedy people ask for twice as much as what they really need.



۱۴۶. کیل از کیل طعنه ذید.

معادل: کور به کچل میخندد.

One bald person jeers at another.

Meaning: People point out their own faults seen in others.

(The pot calls the kettle black.)

۱۴۷. گُبنناً تر خُونه شه قِد صدقه بیرون روا نست.

معادل: اگر گشنه در خانه باشد صدقه بیرون روا نیست.

Don't give alms when hunger is in your home.

Meaning: People should take care of their own household before giving to others.



۱۴۸. گُبنناً تر پرا کلپنخک هال.

معادل: گشنه نان را خواب می بیند.

From the hungry, bread rolls away.

Meaning: The poor are very unfortunate.

۱۴۹. گنده نیخ ته بنچبنتاو نِافت.

معادل: بینی گنده بریده نمیشود.

You can't cut off an ugly nose.

Meaning: You can't get rid of your relatives, no matter how bad they are.



۱۵۰. گنده آستون نه خرد ات نه خو شیخرد.

ترجمه: زیارت گنده نه به خود و نه به شیخش.

A ruined shrine has no honor for itself

or its saint.

Meaning: A person of bad character has no benefit to himself or to his community.

۱۵۱. گنده مال خو نه وِزبنت.

ترجمه: مال خراب خود را نمیشناسد.

معادل: گنده را قلغش زیاتی.

An ugly animal does not know itself.

Meaning: People of bad character don't know themselves.



۱۵۲. گنده مال خو صاحبِرد طعنه.

ترجمه: مال گنده به صاحبش طعنه است.

Unsightly livestock insult their owner.

Meaning: A person who owns something ugly will invite ridicule.

۱۵۳. گوښت ته از ناخون جدا نه سوډ.

معادل: گوشت از ناخن جدا نمیشود.

Flesh cannot be separated from fingernail.

Meaning: You cannot separate yourself from family.



۱۵۴. مُرذآ یند تر سفی کفان هوس ات از عذاب گور بی خبر.

معادل: سفیدی کفن را دیدی و عذاب گور را نی

معادل: آب را نا دیده موزه را از پای مکش.

Death in a white shroud is hungry, heedless of the grave's anguish.

Meaning: In all you do, be aware of the consequences.

۱۵۵. مرکأب میداو گدپن آرد سور.

ترجمه: مردن خر خوشحالی بر سگان.

The death of the donkey,

the party of the dog.

Meaning: Said when people take advantage of a situation to get things for free.



۱۵۶. مرکأب آرد پی بنأب چرا چیر.

معادل: خر را چه به روغن زرد.

معادل: خر را چه به شب چریدن.

Why should a donkey graze at night?

Meaning: What does a fool have to do with great work?

۱۵۷. مَرَد قَتی لاف ذَاذْ اَت وِی طَالع قَتی نَی.

معادل: با خدا داده گان ستیزه مکن که خدا داده را خدا داد است.

Challenge a man, but not his destiny.

Meaning: You can compete with a person, but you do not know who will succeed in the end.



۱۵۸. مَرَد سَفَرَنَد اَز مَوذ کِی اَت بَرَنک پِی پِیل.

معادل: مرد را در سفر و زن را در اییلاق آزمایش کن.

Measure men on a journey,

women in the pasture.

Meaning: A person's true character is tested outside the home.

۱۵۹. مرکأب از مرکأب گه زبا شه رست وم غوږ بنچنبتاورد.

معادل: خر که از خر پس ماند یال و دمش از بریدن است.

When a donkey lags behind another,

its ears should be cut.

Meaning: Said of someone who cannot compete with another or is being lazy.



۱۶۰. مردم سورند خو قز کبنتاو.

ترجمه: در طوی مردمان بز خود را کشتن.

For another's wedding,

you butcher your own goat.

Meaning: You invest at another's benefit; or you spend rashly.



۱۶۱. مرکآب کأل آرد یاسین بنیید.

ترجمه: پیش کله خر یاسین خواندن.

To read Holy Scriptures to a donkey.

Meaning: Said of someone who does not listen to advice.

(To throw your pearls to pigs.)



۱۶۲. مردم ته خو بنأستَن قتی مسألَت کِبت.

معادل: کلایت را پیشروی گذار و مشورت کن.

People even consult with their pillar.

Meaning: Said when someone acts before seeking counsel.

سكان، كمپيوتر و نشر انترنيتي: سرورشاہ  
اركان

اداره نشرات سيمای شغنان

شهر کلگری- کانادا

سوم جنوری ۲۰۲۲

۱۶۳. مرداً می ذست خابنچ.

ترجمه: در دست مرده خمیر.

Like dough in the hand of the dead.

Meaning: It's as futile to give responsibility to a lazy person as to expect a dead person to knead dough.



۱۶۴. مرداً بِحُق ذید.

ترجمه: مرده را استاد میکند.

He tries to wake the dead.

Meaning: Said when someone insists that a disabled or unqualified person work.

۱۶۵. مَر مَرِیج سَت.

ترجمه: میش قوچ گشت.

The ewe became a ram.

Meaning: Said when someone suddenly increases in confidence.



۱۶۶. مَرخُونج گَرذَأْ خُوذَم وِیْنَت.

ترجمه: گشنه نان را در خواب می بیند.

The hungry dream of food.

Meaning: Poor people think about food even in their sleep.

۱۶۷. مِرْخُونَجِ آدَمِنْدِ اِپْمُونِ نِسْتِ.

معادل: آدم گرسنه دین و ایمان ندارد.

A hungry man has no faith.

Meaning: A needy person will do anything out of necessity.



۱۶۸. مَوْرُخْکَنْدِ دَعَا قِدْ خُو مِیْدِ غَاغْخِ کِیْنِتِ.

معادل: کل اگر طیب میبود غم خود را میخورد.

If an ant curses, its own waist becomes thick.

Meaning: God does not accept curses meant to hurt others.

۱۶۹. مورخک مارگ دی فریپت تپ ته زویدد.

ترجمه: مورچه که مرگش رسید بال میکشد.

An ant about to die sprouts wings.

Meaning: Said of a person who uncharacteristically takes a dangerous risk because they know their opportunity is about to end.



۱۷۰. مو کُدت مو قَابَنس

ترجمه: سگ و ریسمانم.

My dog and my rope.

Meaning: It's my business, so stop meddling.

۱۷۱. مایی هر وخت از بَنخرد شه انجاقی، یا تازاً.

معادل: ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است.

Whenever you catch a fish, it is fresh.

Meaning: It's always an appropriate time to do a kind deed.



۱۷۲. مپمون از مپمون بد وینت ات صاحب خونه از قرث.

معادل: مهمان، مهمان را بد میبیند و صاحب خانه هر دو را.

One guest scorns the other;

the host scorns them both.

Meaning: Two people might despise each other, but they might

both be despised by another.

۱۷۳. مېمُون تر چید نه لاکېن یو لوښد مو قوش خرجین بارند لاکېت.

معادل: مهمان را در خانه نمیماند، او میگوید بام را در کنج خانه بگذارید.

The guest is not welcome, but he says "Put my bag in the corner."

Meaning: Said of someone who asks for a lot.



۱۷۴. نأرم بَنخ ته بیرن چونت.

ترجمه: آب نرم زیر زمین را می‌کند.

Gentle streams dig deep.

Meaning: A soft-spoken person might have a shady character.

(You can't judge a book by its cover.)

۱۷۵. نائِبِخِ كرتا حَرِيرِ شِه گَارْدَد تَنآ تِه ذِيد.

معادل: مایندر اگر مسکه شود راه گلون بسته شود.

Even the softest dress a stepmother makes will scratch.

Meaning: A stepmother will never take the place of a mother.



۱۷۶. نَارْم زِف شِيگ تِه فُكْت نَائِبِن رَاقِد.

معادل: بره خوب هفت مادر می مکد و بره گنده یکی را هم نمیتواند.

A soft-tongued calf can nurse from any cow.

Meaning: It is good to talk sweetly, not harshly.



۱۷۷. نُر کار تر بُمنی ما لای.

معادل: کار امروز را به فردا مگذار.

Do not leave today's work for tomorrow.

Meaning: Each day has work of its own.



۱۷۸. نه پی بپل بافت ات نه پی انجان.

ترجمه: نی به بیل میشه نی به ریمان.

Not with a shovel, nor a rope.

Meaning: The work is impossible.

(Not by hook nor by crook.)

۱۷۹. نه یم پیاز خوبج ات نه از وی بوئی بناج ذیرم.

معادل: پیاز نه خوردم و از بویش هم نه میترسم.

I neither ate the onion nor fear its smell.

Meaning: I am not guilty nor am I afraid of what people say.



۱۸۰. نه تو کاشک خام ات نه مقلش مو ده.

معادل: نه نان گندمی نه سخن مردمی.

I won't eat your food,

and don't knuckle me.

Meaning: Said when receiving unfair treatment while on a job.

۱۸۱. نه جای آت نه جولاً.

ترجمه: نی گور دارد و نی کفن.

He has no house and no home.

Meaning: Said of a poor person who is alive,

but has nothing else in life.



۱۸۲. وذچ بُخ خونان آرد ثیپ، ثیپ.

ترجمه: جوجه جفک به مادر خود جیک، جیک یاد میدهد.

The little bird chirps to its mother.

Meaning: Someone without experience is telling the expert what to

do.

۱۸۳. وُز از خِدارج ات تو از ناوسار.

معادل: ما از آسیاب آمدیم او میگوید دول خالی است.

I am in the mill, you are out by the water chute.

Meaning: I am more of an expert in this matter than you.



۱۸۴. وُرج بیث بی ستخون نست.

معادل: خانه گرگ بی استخوان نیست.

The wolf's den is not without bones.

Meaning: A person with a trade has the tools for it (i.e. a tailor

will always have a scissors.)

۱۸۵. وُرج قتی پربنت آت صاحب قتی نوُد.

معادل: با گرگ دنبه میخورد و با چوپان گریه میکند.

He attacks with the wolf and weeps with the shepherd.

Meaning: A two-faced person secretly harms someone than  
consoles them.



۱۸۶. وُرج روزی از برف آت باروَن.

معادل: گرگ از خدا چه میخواهد، بغیر از برف و باران.

The wolf's element is snow and rain.

Meaning: People will take advantage of circumstances to  
achieve their ends.

۱۸۷. وؤرجن بنبوتیج.

معادل: گرگ را چوپان کردن.

Wolves are shepherding the sheep.

Meaning: Don't give responsibility to those who are not trustworthy.



۱۸۸. وی کار پورگ تر خدارج نکینت.

معادل: کارهای را میکند که موش در گدام نمیکند.

They make more mess

than a mouse in a mill.

Meaning: Said of someone who does something strange or works poorly.

۱۸۹. وېف آش وېف پڅېن چاق آت وېف خيف وېف گدېنند.

ترجمه: آش را به قدر بچه های خود پخته میکنند و پس مانده را به سگانش  
میمانند.

Only enough noodles for their own children  
and only enough broth for their dogs.

Meaning: Said to those who care only for themselves, not for  
others.



۱۹۰. هر تآم ته خو مرکأب خود دل تی ویز کینبت.

ترجمه: هرکس خر خود را به میل خود بار میکند.

Each person loads their donkey in their own way.

Meaning: Everyone has their own style.

۱۹۱. هر جاندی سورت تُت کل بی حضور.

ترجمه: در هر جا طوی و تو کل بی حضور.

معادل: در هر آش قتغ.

You show up at every wedding.

Meaning: Said of a meddler who always enjoys going to weddings.



۱۹۲. هم پُلک ذید ات هم مپتین

معادل: هم به نعل میزند و هم به میخ

Both hammer and pick are used to strike.

(Literally: Both *pulk* and *mitin* strike. *Pulk* and *mitin* are tools used in a Shughni flour mill.)

Meaning: Said when someone is two-faced, saying one thing to one person and another thing to someone else.



۱۹۳. هندو چیدند قرآن نبتاید

معادل: در خانه هندو قرآن پیدا شد.

The holy Quran was found in the house of a Hindu.

Meaning: Said when someone does something surprising or out of character.



۱۹۴. یاخ دی تر جنگال ذاد خست تا قاق ته تیود.

معادل: آتش که در جنگل افتید تر و خشک میسوزد.

When a forest is ablaze, wet and dry are razed.

Meaning: When disaster strikes, the righteous and wicked suffer together.

۱۹۵. یتیمک دی در نماز ذاد نه ته ساعت چاست ات نه زمون.

ترجمه: یتیمک که نماز خواندن را شروع کرد ساعت و زمان را نمیبیند.

When Yatimak learned to pray

he stopped noticing hour and day.

Meaning: To be totally engrossed in something and not be concerned about the time.



۱۹۶. یتیمک میره زاری شه سْت، سر پراییی خو موم وُلجه چود.

ترجمه: یتیمک به میرهزاری رسید اول خانه مادر کلانش را چور کرد.

When Yatimak grew famous,

he began to accuse his grandmother.

Meaning: With power, people grow corrupt and forget their closest acquaintances.

۱۹۷. یچ چاقو ته خُبث خو دسته چیداو نه قارذېد.

ترجمه: هیچ چاقو نه میتواند خودش، خود را دسته کند.

No knife can carve its own handle.

Meaning: There are some things one cannot do alone.



۱۹۸. یچ خمود ته بی جینبخ نه رست.

ترجمه: هیچ کجاوه بی بند نمانده است.

No carrying-basket is without a shoulder strap.

Meaning: There is a spouse for everyone.

۱۹۹. یچی نیخ وخن نه ست.

معادل: بینی کسی خون نشد.

Nobody's nose got bloody.

Meaning: Nobody was injured in the quarrel.



۲۰۰. یی چای ته نه لوخد مو دوغ تببپ.

معادل: کس نگوید که دوغ من ترش است.

Nobody says "My buttermilk is sour."

Meaning: People don't like to admit their own mistakes.



ISBN 978-9936-8076-6-2



9 789936 807662

